برکناری مدیرکل صداوسیمای مرکز کیش

در پی اهمال و بی‌توجهی در نظارت به پخش یک فیلم سینمایی خارجی در مرکز کیش که به انتشار تصاویر ضدفرهنگی در آن جزیره منجر شد، با دستور دکتر علی عسکری رئیس رسانه ملی، مدیرکل صدا و سیمای مرکز کیش برکنار شد.

به گزارش روابط عمومی رسانه ملی، رئیس سازمان صدا و سیما در نامه‌ای به معاون امور استان‌ها، افزود، لازم است این اتفاق در سریع‌ترین زمان خطاب به معاون امور استان‌ها، افزود، لازم است با همکاری مرکز صیانت و حفاظت سازمان موضوع بررسی و نسبت به کشف عوامل و دلایل آن و برخورد جدی با متخلفان و معرفی آنها به مراجع قانونی اقدام کنید.

گفت‌وگو با رضا کیانیان، هنرمند پیشکسوت

امکان زندگی در خارج را دارم، امانمی‌روم

کوتاه کرد؛ چون اعتقاد داشت اونوع موهایش نیست و موهایش نوکر او هستند. در پرونده کاری این هنرمند رنگین‌کمان نقش‌های متفاوت دیده می‌شود. اوایِن روزها مشغول بازی در سریال تلویزیونی عروس تاریکی به کارگردانی محمود معظمی است. ویژگی کیانیان این است که نقش‌هایش را اقبال زیادی از سوی مردم روبه‌رو شده و با وجود این که کاراکتر جمشید، خلافکار قلمه بود؛ اما بازی دوپهلوی رضا کیانیان باعث شد تا مخاطب نسبت به این کاراکتر واکنش منفی داشته باشد؛ حتی جالب است در هنگام پخش، مدل موی جمشید هم در جامعه مد شد. نکته جالب اینجا بود که بعد از پخش این سریال، تهیه‌کنندگان از کیانیان خواسته بودند تا موهایش را زنده، چراکه برای فیلم و سریال‌هایشان نیاز ندارند، اما وقتی این نقل‌قول‌ها را شنید، رفت و موهایش را

فاطمه مودباشی
رسانه

اولین تصویر از رضا کیانیان، سریال شلیک نهایی است که در آن سریال نقش جمشید را بازی می‌کرد. او با وجود این که نوجوان بود و خیلی سن و سالی نداشتم، اما با علاقه این سریال را تماشا می‌کردم. این سریال در زمان پخش با اقبال زیادی از سوی مردم روبه‌رو شد و با وجود این که کاراکتر جمشید، خلافکار قلمه بود؛ اما بازی دوپهلوی رضا کیانیان باعث شد تا مخاطب نسبت به این کاراکتر واکنش منفی داشته باشد؛ حتی جالب است در هنگام پخش، مدل موی جمشید هم در جامعه مد شد. نکته جالب اینجا بود که بعد از پخش این سریال، تهیه‌کنندگان از کیانیان خواسته بودند تا موهایش را زنده، چراکه برای فیلم و سریال‌هایشان نیاز ندارند، اما وقتی این نقل‌قول‌ها را شنید، رفت و موهایش را کوتاه کرد؛ چون اعتقاد داشت اونوع موهایش نیست و موهایش نوکر او هستند. در پرونده کاری این هنرمند رنگین‌کمان نقش‌های متفاوت دیده می‌شود. اوایِن روزها مشغول بازی در سریال تلویزیونی عروس تاریکی به کارگردانی محمود معظمی است. ویژگی کیانیان این است که نقش‌هایش را

خاص و تا حدودی هم بداخلاق و سختگیر هست، چطور او را راضی کردید که موادری را به نقش زیبرانداخته کند؟

آقای عباس نعمتی که مشاور معاون سیما هست، پرسید حالا چرا ۱۳۲ تا و چرا ۱۳۰ تا نه! تلویزیون شده نوعی قمار خانه. پر از به اصطلاح مسابقه که روی کازینوها راکم می‌کند. خب اینها که از بلیت بخت‌آزمایی بدرد است اگر قبلاً یک بلیت بخت‌آزمایی بود، الان چندین تا فقط در تلویزیون هست! اگر آن زمان حرام بود، پس اینها چیست؟ اسری اول برنامه خدا‌وناله در میان تماشاگران گرفت، اما جرا روندی ایجاد شد که ضعیف و ضعیف‌تر شود. قبلاً مردم کلی درباره خندوانه برشت در دوران دانشگاه یاد گرفتم. او می‌گوید تماشاگر را وادار به فکر کنید و فقط تحت تاثیر عواطف شما قرار نگیرد.

شما در مجموعه مختارنامه نقش زبیر را بازی کردید که پیچیدگی‌های زیادی داشت، حتی سعی کردید این نقش را خیلی منفور نشان ندهید.

با توجه به این‌که در تلویزیون هم حرف زدید، این برنامه که تولیدی بود، پس چرا اعتماد کردید؟

ولی در برنامه حالا خورشید مدیر شبکه سه درباره برنامه نود صحبت کرد و توضیحاتی داد. همچنین عادل فردوسی‌پور هم روی خط آمد و صحبت کرد. این شفافیت که شما می‌گویید در این برنامه اتفاق افتاد و حس خوب هم به مخاطب داد.

بر اساس اطلاع می‌گوییم که اتفاقاً در این زمان رویکرد اغلب مدیران تلویزیون تعامل و هم افزایی با اهالی هنر و رسانه است، ولی وقتی ما با مدیران تلویزیون صحبت می‌کنیم آنها می‌گویند که هنرمندان حاضر نیستند تعامل داشته باشند. چرا این اتفاق از سوی هنرمندان نمی‌افتد؟

توضیح شود؟ خلاف است کسی هم جواب نمی‌دهد. شما باید از مدیران این سؤال را بپرسید تا شفاف‌سازی شود که چرا نود درگیر چنین ماجراهایی شد. شفافیت وجود ندارد.

ولی در برنامه حالا خورشید مدیر شبکه سه درباره برنامه نود صحبت کرد و توضیحاتی داد. همچنین عادل فردوسی‌پور هم روی خط آمد و صحبت کرد. این شفافیت که شما می‌گویید در این برنامه اتفاق افتاد و حس خوب هم به مخاطب داد.

این خیلی خوب است، باید همین را بیشتر کنند و در چند برنامه توضیح داده شود تا همه بفهمند. به نظرم هیچ اشکالی ندارد مدیران تلویزیون ما گاهی به خاطر اشتباهاتشان از مردم عذرخواهی کنند. به هر حال هیچ‌کس معصوم نیست و همه اشتباه می‌کنیم. فرهنگ عذرخواهی باید در جامعه ما وجود داشته باشد. اما این کار را مدیران میانی هم انجام نمی‌دهند. چه برسد به مدیران بالاتر.

خب چرا در برابر مسائل به مردم توضیح داده نمی‌شود از کانال تلویزیون؟ چرا دلار شد ۲۰ هزار تومان؟ چرا هیچ‌کس

به گزارش رسانه ملی، رئیس سازمان صدا و سیما در نامه‌ای به معاون امور استان‌ها، افزود، لازم است با همکاری مرکز صیانت و حفاظت سازمان موضوع بررسی و نسبت به کشف عوامل و دلایل آن و برخورد جدی با متخلفان و معرفی آنها به مراجع قانونی اقدام کنید.

اولین تصویر از رضا کیانیان، سریال شلیک نهایی است که در آن سریال نقش جمشید را بازی می‌کرد. او با وجود این که نوجوان بود و خیلی سن و سالی نداشتم، اما با علاقه این سریال را تماشا می‌کردم. این سریال در زمان پخش با اقبال زیادی از سوی مردم روبه‌رو شد و با وجود این که کاراکتر جمشید، خلافکار قلمه بود؛ اما بازی دوپهلوی رضا کیانیان باعث شد تا مخاطب نسبت به این کاراکتر واکنش منفی داشته باشد؛ حتی جالب است در هنگام پخش، مدل موی جمشید هم در جامعه مد شد. نکته جالب اینجا بود که بعد از پخش این سریال، تهیه‌کنندگان از کیانیان خواسته بودند تا موهایش را زنده، چراکه برای فیلم و سریال‌هایشان نیاز ندارند، اما وقتی این نقل‌قول‌ها را شنید، رفت و موهایش را کوتاه کرد؛ چون اعتقاد داشت اونوع موهایش نیست و موهایش نوکر او هستند. در پرونده کاری این هنرمند رنگین‌کمان نقش‌های متفاوت دیده می‌شود. اوایِن روزها مشغول بازی در سریال تلویزیونی عروس تاریکی به کارگردانی محمود معظمی است. ویژگی کیانیان این است که نقش‌هایش را

خاص و تا حدودی هم بداخلاق و سختگیر هست، چطور او را راضی کردید که موادری را به نقش زبیر اضافه کند؟

آقای عباس نعمتی که مشاور معاون سیما هست، پرسید حالا چرا۱۳۲ تا و چرا۱۳۰ تا نه! تلویزیون شده نوعی قمار خانه. پر از به اصطلاح مسابقه که روی کازینوها راکم می‌کند. خب اینها که از بلیت بخت‌آزمایی بدرد است اگر قبلاً یک بلیت بخت‌آزمایی بود، الان چندین تا فقط در تلویزیون هست! اگر آن زمان حرام بود، پس اینها چیست؟ اسری اول برنامه خدا‌وناله در میان تماشاگران گرفت، اما جرا روندی ایجاد شد که ضعیف و ضعیف‌تر شود. قبلاً مردم کلی درباره خندوانه برشت در دوران دانشگاه یاد گرفتم. او می‌گوید تماشاگر را وادار به فکر کنید و فقط تحت تاثیر عواطف شما قرار نگیرد.

شما در مجموعه مختارنامه نقش زبیر را بازی کردید که پیچیدگی‌های زیادی داشت، حتی سعی کردید این نقش را خیلی منفور نشان ندهید.

با توجه به این‌که در تلویزیون هم حرف زدید، این برنامه که تولیدی بود، پس چرا اعتماد کردید؟

ولی در برنامه حالا خورشید مدیر شبکه سه درباره برنامه نود صحبت کرد و توضیحاتی داد. همچنین عادل فردوسی‌پور هم روی خط آمد و صحبت کرد. این شفافیت که شما می‌گویید در این برنامه اتفاق افتاد و حس خوب هم به مخاطب داد.

بر اساس اطلاع می‌گوییم که اتفاقاً در این زمان رویکرد اغلب مدیران تلویزیون تعامل و هم افزایی با اهالی هنر و رسانه است، ولی وقتی ما با مدیران تلویزیون صحبت می‌کنیم آنها می‌گویند که هنرمندان حاضر نیستند تعامل داشته باشند. چرا این اتفاق از سوی هنرمندان نمی‌افتد؟

نه، اصلاً چنین چیزی نیست. الان کلی از هنرمندان بنام در تلویزیون برنامه دارند. من از همین جا اعلام آمادگی می‌کنم برای کمک. ولی باید روشن و علنی باشد. مثل برنامه‌های زنده

خب.

این یعنی شرط گذاشتن برای تلویزیون!

بله شرط می‌گذارم. چون اعتمادم خدشه دار شده است. من همیشه می‌گویم در برنامه زنده شرکت می‌کنم اما تولیدی نه! به خاطر این‌که ممکن است با سلیقه خودشان ادیت کنند. جالب است بگویم در زمانی که آقای فرهامی رئیس سازمان بودند، می‌گفت به بچه‌ها سپردم هرگفت شما قرار است در تلویزیون حرف بزنید، بگویند که ببینم.

خب شما در برنامه خندوانه هم حرف زدید. این برنامه که تولیدی بود، پس چرا اعتماد کردید؟

من دانستم چیز عجیبی نیست و نخواهم گفت و چالشی ندارد. مردم می‌خواستند کمک کنند و می‌خواهند من هم حرف‌های جالبی برایشان بزنم. چالشی در میان نبود بیشتر می‌رفتم تا در مورد کمپین احیای دریاچه ارومیه با مردم حرف بزنم در یک درخواست برای امضای احیای دریاچه ارومیه فقط دو بخش حدود یک میلیون امضا جمع کردم. با این وجود بخش‌هایی از حرف‌هایم را ادیت کرده بودند که من

«اقوام ایران» نوروز به تلویزیون می‌آید

مستند داستانی «اقوام ایران» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی سیدابوالفضل موسوی با پشت سر گذاشتن بیش از ۸۰ درصد از تصویربرداری برای پخش در ایام نوروز آماده می‌شود. تهیه‌کنندگان و کارگردان این مستند درباره ساخت این اثر گفت: ساخت این مجموعه را به سفارش صداوسیما فیلم از ۱۵ ماه گذشته شروع کردیم. اما مراحل تحقیق برای ساخت این مستند داستانی با اقوام ایران به ۶ قسمت ۶۰ دقیقه‌ای تولید می‌شود و درباره تغییر نام این مستند از سرزمین مادری به «اقوام ایران» گفت: به دلیل تشابه به عنوان این مستند با مجموعه سرزمین مادری کمال تبریزی عنوان مستند را به اقوام ایران تغییر دادیم. البته در زمان پخش نیز امکان دارد نام مستند مجدداً تغییر کند./ سیما فیلم

شنیده‌ام برای ایفای نقش روحانی کیف آنگلیسی چالش‌هایی داشتید. از آن چالش‌ها برایمان بگویید.

بله، یادم می‌آید تلویزیون فردی را فرستاده بودند که مراقب همه چیز باشد.

به عنوان ناظر. وقتی اولین پلان را بازی کردم همان آقا درگوش ضیاءالدین دری حرفی زد و به او گفته بود که به من بگوید لحن او شبیه امام است و باید بروم عضله کنم. من هم گفتم باشد. بعد دوباره بازی کردم و همان آقا گفت لحن او شبیه آقای مطهری هست، من هم گفتم باشد. بعد دوباره گفت که لحنم شبیه آقای فلسفی است. من هم به آقای دری گفتم باشد این آقا درست می‌گوید و بعد عمامه و لباسم را روآوردم و گفتم از این به بعد این نقش را همین آقا بازی کند.

دری ناراحت شد و گفت چرا بازی نمی‌کنم! من هم گفتم مرد حسابی روحانیت سنتی سه تیکه لجن بیشتر ندارد و اگر بخواهم با لحن دیگری صحبت کنم که روحانیت سنتی نیست.

بعد هم به او گفتم لحن دیگری هم هست که مختص روحانیون آذری هست. بعد از کلی سعی و تلاش و مشورت با لهجه آذری بازی کردم.

یا در صفر دیگری سیروس گرجستانی در نقش خان همراه دو نفر شارده و پسرش می‌آیند تا من از شارده در انتخابات حمایت کنم. خان دست رامی بوسد و کنار می‌رود، اما وقتی شارده می‌خواهد دست را ببوسد دستم را کنار می‌کشم. بلافاصله فیلمبرداری قطع شد. آقا گفت چرا دستم را کنار کشیدید و نگذاشتید آن دو جوان دست روحانیت را ببوسند.

گفتم خان نهایتش تریاک مصرف می‌کند، اما آن دو نجسی می‌خوردند و کراهت دارد دست روحانیت را ببوسند. آژن موقع آن آقا گفت خنده) البته قبل از پخش در زمان ریاست وقت سازمان (آقای لاریجانی) و در دوره آقای رضا لاله، گفتند که باید این نقش دوبله شود و لحن روحانی قمه تغییر کند، اما در نهایت همان آقای لاریجانی گفت بگذارید همین‌طور باشد.

با توجه به این‌که کیانوش عیاری سختگیری‌های زیادی روی کار بازیگران دارد، چطور تن به بازی در نقش آقای فیروزآبادی در سریال روزگار قریب داد؟

آقای کیانوش عیاری از بازیگرانی مثل من، پرویز پرستویی و مرحوم انتظامی خوشش نمی‌آید. این مطلب را هم درگفت‌وگویی با یکی از خبرنگاران گفته بود که او از مصاحبه در آورده بود. اتفاقاً تعجب کردم که برای این سریال از من دعوت کردند.

بعدها متوجه شدم چون آقای اسلامی مهر بچه شهری هست، خودش گفته بود کیانیان این نقش را باید بازی کند.

قبل از بازی درباره آقای فیروزآبادی هرچه می‌گویی کارگردان می‌پذیرد. من هم جواب دادم، ایده‌هایی که من می‌دهم برای بزرگ شدن نقست و برای بیشتر دیده شدن خودم هم نیست؛ بلکه کمک می‌کند به کل کار.

ولی توقفط پیشنهادهایی برای خودت می‌دهی و کارگردان هم قبول نمی‌کند، من دوست ندارم زیاد دیده شوم. دوست دارم به موقع دیده شوم. در فیلم آژانس شیشه‌ای من قرار نبود بازی کنم، بلکه فقط بازیگردان کار بودم. اما چون توانستم بازی من نقش سلحشور بازیگری پیدا کنیم، خودم بازی کردم. بارها از آقای حاتمی کیا می‌خواستم من را کمتر بتراشد، جلو نشان بدده که تماشاگر با خودش بگوید که آهان این بود؛ به او گفتم زیاد نشان بدهد. مثل جنگلی می‌شود که پر از درخت است و تماشاگر درخت را نمی‌بیند. اما اگر به موقع نشان بدهد مثل یک درختی است که باید بزند بیند چه ایده‌هایی دارم و بعد بنویسد. این آقای مبرقاری سختگیر خیلی اعتبار بزرگی است که به بازیگرمی‌دهد، چون می‌داند به نفع کار است.

قرار بود در فیلم مسافری بازی کنم، اما به دلایلی نشد؛ البته نکته‌ای بگویم و این که من هرزمان وقت نقش شده به من خبر بدهند، تا این‌که زمانش رسید، گریم شدم.

۱۵ روز تست گریم من طول کشید و وقتم سر مبارقری پرسید که آیا زیبر زیادی متشرع است؟ وایشان هم پاسخ مثبت داد.

گفتم وقتی فردی خیلی متشرع باشد، حتماً وسواس هم دارد.

پس دستمالی به دست او بدهیم که به هیچ چیز بدون آن دستمال دست نزند و پیشکارش مرتب به او دستمال تمیز بدهد.

در نتیجه او همیشه مواظب دست‌هایش است به جایی نخورد و همیشه من زمین و هوا سرگردان است. این عادت برای زبیر هارمونی حرکتی می‌سازد. همان که دیدید.

در اولین صحنه من روی تخت نشسته بودم. همان تختی که از سقف پایین می‌آید و محسن شاه‌ابراهیمی ساخته بود.

قبلاً چند بار روی آن بالا و پایین رفته بودم تا به آن عادت کنم. شب فیلمبرداری، وقتی روی تخت نشستم با خودم گفتم این آدم چاق چطور باید روی تخت بنشیند. نمی‌تواند به دلیل چاقی چهارزانو بنشیند یا نمی‌تواند پای پایش طرف باشد و دوپای دیگر این طور نباشد.

بلافاخره بعد از چند بار تردد، زدن به این نتیجه رسیدم که مثل زن‌های حامله بنشینند که پایشان در اکثر مواقع دراز است.

بعد با خودم گفتم که زبیر چطور باید با راه‌ها این طرف تخت به آن طرف برود.

خیلی فکر کردم.

مثلاً گفتم اگر چهار

پیشنهادهای او نه! این بازیگر خطاب به من گفت چرا پیشنهادهای من قبول نمی‌شود، ولی تو

دست و پا راه برود، حقیرش می‌کند. بلافاخره بعد از کلی فکر به این نتیجه رسیدم که مثل خودش را بچه‌ها کشان‌کشان روی زمین بکشد.

این کار را کردم و دیدم چقدر خوب شد.

همان موقع آقای مبرقاری آمد و گفت که همین خوبه! به او گفتم شما کجا بودید؟ او هم گفت که تمام مدت پشت مانیتور نشسته بوده و به من نگاه می‌کرده که دارم چه اتودی برای این نقش می‌زنم.

خب این نشان دهنده هوش و ذکاوت یک کارگردان است که می‌نشیند و به بازیگرش نگاه می‌کند تا او را بسنجد.

البته در اواسط کار هم پیشنهادهایی می‌دادم، اما بعد آقای مبرقاری به من گفت که همیشه از قبل دکوپاژ صحنه را می‌نوشته، اما از وقتی که بازی من را دیده، تصمیم گرفته دکوپاژ ننویسد. بعد دوباره بازی کردم و همان آقا گفت لحن او شبیه آقای مطهری هست، من هم گفتم باشد. بعد دوباره گفت که لحنم شبیه آقای فلسفی است. من هم به آقای دری گفتم باشد این آقا درست می‌گوید و بعد عمامه ولباسم را درآوردم و گفتم از این به بعد این نقش را همین آقا بازی کند.

وقتی نقش تان در یک کار تمام می‌شود، باز هم درگیرآن هستید؟

چالش بازی را دوست دارم، اما وقتی کارم تمام می‌شود، دیگر به آن فکر نمی‌کنم و به کار بعدی فکر می‌کنم. هرزمان هم در مصاحبه از من این سؤال پرسیده شده که بهترین کارم کدام بوده، من جواب می‌دهم که آن شاه!... کار بعدی.

بازخوردی هم از این حجم از نرمی که برای نقش‌هایتان می‌گذارید، داشته‌اید؟ آیا مردم متوجه این مسأله می‌شوند؟

چه مردم متوجه این موضوع شوند و چه نشوند. سعی می‌کنم از کاری که انجام می‌دهم لذت ببرم.

البته به شدت هم بازخورد دارد و مردم وقتی در خیابان من را می‌بینند درباره نقش‌هایم می‌گویند.

به ویژه نقش زبیر که خیلی گسترده دیده شد. یا سربال شلیک نهایی یا روحانی کیف انگلیسی، خانه‌ای روی آب و.... **شنیده‌ام برای ایفای نقش روحانی کیف آنگلیسی چالش‌هایی داشتید. از آن چالش‌ها برایمان بگویید.**

بله، یادم می‌آید تلویزیون فردی را فرستاده بودند که مراقب همه چیز باشد.

به عنوان ناظر. وقتی اولین پلان را بازی کردم همان آقا درگوش ضیاءالدین دری حرفی زد و به او گفته بود که به من بگوید لحن او شبیه امام است و باید بروم عضله کنم. من هم گفتم باشد. بعد دوباره بازی کردم و همان آقا گفت لحن او شبیه آقای مطهری هست، من هم گفتم باشد. بعد دوباره گفت که لحنم شبیه آقای فلسفی است. من هم به آقای دری گفتم باشد این آقا درست می‌گوید و بعد عمامه ولباسم را درآوردم و گفتم از این به بعد این نقش را همین آقا بازی کند.

دری ناراحت شد و گفت چرا بازی نمی‌کنم! من هم گفتم مرد حسابی روحانیت سنتی سه تیکه لجن بیشتر ندارد و اگر بخواهم با لحن دیگری صحبت کنم که روحانیت سنتی نیست.

بعد هم به او گفتم لحن دیگری هم هست که مختص روحانیون آذری هست. بعد از کلی سعی و تلاش و مشورت با لهجه آذری بازی کردم.

یا در صفر دیگری سیروس گرجستانی در نقش خان همراه دو نفر شارده و پسرش می‌آیند تا من از شارده در انتخابات حمایت کنم. خان دست رامی بوسد و کنار می‌رود، اما وقتی شارده می‌خواهد دست را ببوسد دستم را کنار می‌کشم. بلافاصله فیلمبرداری قطع شد. آقا گفت چرا دستم را کنار کشیدید و نگذاشتید آن دو جوان دست روحانیت را ببوسند.

گفتم خان نهایتش تریاک مصرف می‌کند، اما آن دو نجسی می‌خوردند و کراهت دارد دست روحانیت را ببوسند. آژن موقع آن آقا گفت (با خنده) البته قبل از پخش در زمان ریاست وقت سازمان (آقای لاریجانی) و در دوره آقای رضا لاله، گفتند که باید این نقش دوبله شود و لحن روحانی قمه تغییر کند، اما در نهایت همان آقای لاریجانی گفت بگذارید همین‌طور باشد.

سریال پخش شد و بعد از تمام شدن پخش سریال، تقدیرنامه‌ای از طرف طلاب آذری زبان حوزه علمیه قم برایم آمد که آقای رضا لاله خیلی تعجب کرد؛ گفتم ببینید من آینه‌ای گذاشتم در برابر روحانیت و او نگاه می‌کند و می‌بیند عین واقعیت است.

پس چون خوش‌می‌آید.

با توجه به این‌که کیانوش عیاری سختگیری‌های زیادی روی کار بازیگران دارد، چطور تن به بازی در نقش آقای فیروزآبادی در سریال روزگار قریب داد؟

چالش بازی را دوست دارم، اما وقتی کارم تمام می‌شود، دیگر به آن فکر نمی‌کنم و به کار بعدی فکر می‌کنم. هرزمان هم در مصاحبه از من این سؤال پرسیده شده که بهترین کارم کدام بوده، من جواب می‌دهم که آن شاه!... کار بعدی.

بازخوردی هم از این حجم از نرمی که برای نقش‌هایتان می‌گذارید، داشته‌اید؟ آیا مردم متوجه این مسأله می‌شوند؟

چه مردم متوجه این موضوع شوند و چه نشوند. سعی می‌کنم از کاری که انجام می‌دهم لذت ببرم.

البته به شدت هم بازخورد دارد و مردم وقتی در خیابان من را می‌بینند درباره نقش‌هایم می‌گویند.

به ویژه نقش زبیر که خیلی گسترده دیده شد. یا سربال شلیک نهایی یا روحانی کیف انگلیسی، خانه‌ای روی آب و....

**